

نیل می ریزد .

نیل : به میم و لام و سپس لام دوم . از شهرهای کفار است و در طول کو است ، و بر دو جانب این رود از ابتدا تا مصب ، مجالات « نمتمها » است . و ایشان نسبتاً برادران « لملم » ها هستند .

سامقندی - در مشرق نیل کوه سامقندی است . و آن کوهی است بزرگ و بلند . در آن عقاقیر و برخی از نباتات باشد . که یکی از منابع سود مردم آن دیار است . و گروه کثیری از کفار معروف به سامقندی در آن دیار سکونت دارند . طول آن ل و عرضش ح است .

بلادخاسه - ابن سعید گوید : در شمال بلاد سقرقه از نیل تا دریا قبایل « خاسه » سکونت دارند . مردمی بس نکوهیده اند از جنس حبشیان . و مشهور است که چون مردی به دست ایشان افتد ، او را خصی کنند و آلت او ببرند و پس از مراسم مذهبی به یکدیگر پیشکش کنند و بدان سبب بر خود بیانند .

سمهر - در مشرق ایشان تا دریا سرزمین سمهر است . نیزه های بلند سمهری را از آنجا آرند و گاه باشد در اثر اصطکاک دو نیزه با یکدیگر جرقه ای پدید آید و سبب آتش گرفتن نیزه های دیگر شود . در این سرزمین کرگدن یافته شود . کرگدن دو شاخ بر پیشانی دارد که یکی از دیگری درازتر باشد و مردم آن نواحی گوشت آن بخورند .

کوه خماهن - ابن سعید گوید : در مغرب شهر بنخته که اشتران بختی بدان منسوب است کوه خماهن باشد و در آن کوه سنگ خماهن یافته شود . مردم فرس این سنگ را عزیز دارند . و به آن شکاف چیزها گیرند . و یا به جهت دارو گاه در آب ساینند و گاه بمکند . و آن را صندل معدنی نیز

گویند . و به آن بیماری های حار را مداوا کنند. درازای این کوه صد میل است و از شمال به جنوب با اعوجاجی به جانب مشرق کشیده شده .

شهر بَطَا - اولین شهر از شهرهای حبشه بر ساحل غربی دریای هند شهر بَطَا است . ابن سعید گوید : حبشیانی که در آن شهر سکونت دارند از آن بسیار سخن گویند . بَطَا در موضعی است در طول سد ل و در عرض دو درجه .

باقطی - شهری است به فاصله صد میل از بَطَا، بر ساحل خلیجی است به جانب مغرب پیش رفته .

منقوبه - در شمال باقِطی شهر منقُوبَه است در طول سه و عرض ح ل . این شهر بر دماغه ای است از کوه مقروس .
زیلع - ابن سعید گوید : زِیْلَع در شمال منقُوبَه است .

ابن سعید گوید : پهنای دنباله دریای هند از برّ منّذب تا بربر هشت مجری است . و کوه منّذب که فاصل میان دریای بزرگ هند و بحر قنزم است . کوهی است خرد ، به مقدار دوازده میل ، از شرق به غرب - با انحرافی به شمال - کشیده ؛ دریا در این جانب تنگ شود چنانکه مردی از يك ساحل مرد دیگری را بر ساحل دیگر ببیند . گویند فاصله آن به قدر دوست تیر است . و مسافران این موضع را باب المنّذب گویند . در طول شصت و هشت درجه و نصف درجه و عرض یازده درجه و چند دقیقه باشد . کشتی ها باید در آن داخل شوند و از آن خارج گردند . و چون کشتی از باب المنّذب بیرون شود ، پهنای دریا از آنجا که افزون گردد تا آنجا که نزدیک به شهر عوان پهنای دریا میان آن شهر و قیامه یمن به شصت میل رسد .

عوان - عوان در طول هفتاد و هشت درجه و عرض سیزده درجه و

نصف درجه واقع است. شهری است مشهور، مردمش از حبشیان مسلمان اند. چون هوا صاف شود جناح از آنجا پیدا باشد. جناح کوه بلندی است در دریا. از جناح تا دهلک، جزیره هائی است از آن حاکم یمن و حاکم دهلک. بزرگترین و مشهورترین آن جزیره ها، جزیره کمران است، نزدیک جزیره زبید در شمال شرقی عوان. و از فرضه های مشهور آن غلافقه است. غلافقه فرضه زبید است و میانشان چهل میل فاصله باشد.

تاریخ	نام	مآخذ	بیت و معنی ابرام نزد اعراب مسرتی، بلاد سیلان				ضبط نامها		
			طول		عرض				
			درج	دقیقه	درج	دقیقه			
۱	شهر بیرسنا	یکی از ایشان	کب	۰	بیج	ن	از اول	از تکرور	به همان صورت که آن را یافتیم در جدول نوشتیم.
۲	شهر غناشه	ابن سعید	کط	۰	بی	بی	بیرون از اول به جانب جنوب	از بلاد سودان	به فتح غین نقطه دار و الف سپس نون و هاء در آخرش.
۳	کوکو	ابن سعید قانون	مد ل	۰ ۰	بی	بی	بیرون از اول به جانب جنوب	قاعده ای از بلاد سودان	چنین به نظر رسد که کوکو تصحیف پذیر نباشد. و در کتب بادوکاف و دوواو مضبوط است.

اوصاف و اخبار عامه

ابن سعید گوید: شهر بویسا از مشهورترین بلاد تکرور است. در شمال نیل غائنه واقع شده. نان در آنجا یافته نشود چر ندره و طرفه در نزد پادشاهانشان. آبش در آنجا فراوان باشد. و نیز شجر القطن در آنجا روید.

[شریف ادیسی گوید: ابرینا شهری است کوچک بدون بارو. مردمش بزرگانانی توانگر باشند و آن چون قریه‌ای است، جایگاه داد و مستد در جنوب آن بمقدار ده روزه راه بلاد ملم باشد. و «لملم» طایفه‌ای است از سیاهان] .

شهر غائنه جایگاه سلطان غائنه است و او مدعی است که نسل حسن بن علی است، علیهما السلام. تجار مغربی از سجماسه، پس از طی پنجاه روزه راه دریابان های بی آب و گیاه بدانجا روند و از آنجا زرسرخ آرند.

ابن سعید گوید: غائنه را نیلی است چون نیل مصر و مصب آن در بحر محیط در طول ده درجه و نیم و عرض چهارده درجه واقع شده. میان مصب رود و شهر غائنه چهاردرجه است. شهر غائنه بر دو طرف آن رود است و نیز همو گوید که: غائنه شامل دو قسمت است: یکی مسکن مسلمانان و دیگر جایگاه کافران.

ابن سعید گوید: کوکو مقر صاحب آن بلاد است و او مردی کافر باشد. در جانب غربی آن مسلمانان غائنه و در سمت شرقی آن مسلمانان کاتم باشند. کوکو را نهری است به همان نام و شهر در جانب شرقی آن نهر است. در «قانون» آمده است که: کوکو میان خط استوا و آغاز اقلیم اول واقع شده. صاحب «العزیزی» گوید: عرض کوکو ده درجه است و مردم آن مسلمان باشند.

[و سخن ادیسی درست است که گوید: رود آن از ناحیه شمال جاری است و بر شهر می‌گذرد و پس از آنکه بمسافت چند روزه راه از آن دور شدند صحرا در رمل فرو رود. از کوکو تا غائنه يك ماه و نیم راه است.]

نم بلا	ساخت ماخذ	بيت وختن اجم از اقليم های مسه في بلاد سياستان				ضبط نام
		طول		عرض		
		درج	دقیقه	درج	دقیقه	
۴	قانون	ن	ج	ب	۰	به سین بی نقطه و فاء سپس الف و لام و هاء در آخرش.
۵	اطوال قانون	نه	۰	کا	س	به جیم مفتوح و راء بی نقطه ساکن سپس میم مکسور و یاء دو نقطه تحتانی در آخرش. (ضبط آن را به خط ابن سعید چنین یافتیم)
۶	ابن سعید	نج	۰	کا	ج	به کسر جیم و یاء دو نقطه تحتانی ساکن و کسر میم سپس یاء دوم دو نقطه تحتانی در آخرش. (ضبط آن را به خط ابن سعید چنین یافتیم)
۷	اطوال قانون	مج	ج	یا	یا	ظاهرأ به ضم دال بی نقطه و نون ساکن و قاف مضموم و فتح لام سپس هاء در آخرش.

اصناف واحبارعانه

در کتاب «قانون» آمده است که : سفالة از زنج است و مردم آن مسلمان . در جنوب خط استواء است . پس عرضی که ذکر شد عرض جنوبی است . ابن سعید گوید : بیشتر معیشت ایشان از معامله زرو آهن گذرد و لباسشان از پوست پلنگ باشد . مسعودی گوید : اسب نزد زنگیان نماند و سپاهیانسان پیاده به جنگ روند و یا بر گاو بر نشینند و نبرد کنند . من می گویم : سفاله نیز شهری است از هند .

جرمی ، شهری است که اکثر مصنفان مسالك و ممالك و اطوال و عروض آن در آثار خود ذکر کرده اند . و آن کرسی و قاعده مملکت حبشه است .

ابن سعید گوید : جیمی قاعده بلاد کائیم است . سلطان کائیم که به جهاد مشهور است در آنجا است . او را فرزند از سیف بن ذی یزن باشد و او را در جانب جیمی شهری است دارای بستان ها و منزهات . در مغرب نیل مصر است . میان آن شهر و جیمی چهل میل فاصله باشد و در آنجا میوه هایی است که همانند میوه های ماباشند جز انار و زرد آلو و نیشکر .

ابن سعید گوید : دقله قاعده نوبه است و قسمت جنوب و مغرب آن مجالات زنگیان نوبه باشد . قاعده زنگیان نوبه ، کوشه ، پشت خط استواء است . مردم نوبه از نصاری هستند . در شمال و مغرب دقله شهرهای دیگرشان که در کتب مذکور افتاده واقع گشته . [ادریسی گوید : دقله بر کناره غربی نیل است و شرب مردمش از آن باشد . مردمش از سیاهان اند . ولی از دیگر سیاهان نیک روی تراند . قوتشان ذرت و جو و خرما بود که از بیرون بدانجا برند . از میان گوشتها گوشت شتر خورند ، چه تازه و چه خشك شده و آرد شده اش را ، و در آن دیسار زرافه و فیل و غزال باشد .]

ردیف	نام بلد	مآخذ	بیت و سخن آرمند از آرمند ای سرمدی در بلاد سیستان				ضبط نامها	
			طول		عرض			
			درج	دقیقه	درج	دقیقه		
۸	جربورا	ابن سعید	نه	۰	ب	۰	قاعده آن بلاد است پهرون از اول در جانب جنوب	ظاهرآ به فتح باء يك نقطه و داء بی نقطه ساکن سپس باء دوم و راء دوم و الف مقصوره در آخرش .
۹	زغاهه	ابن سعید	نو	۰	با	۰	پهرون از اول در جانب جنوبی	ظاهرآ به زاء نقطه دار و غیر نقطه دار سپس الف و واو و هاء .
۱۰	بلاد سعمرکنا	اطوال	نظ	۰	»	۰	پهرون از اول در جانب جنوبی	به سین و حاء سپس راء بی نقطه و تاء در نقطه فوقانی آنگاه الف در آخرش . برخی الف را به هاء بدل کرده اند.
۱۱	وکبات و به قولی جیره	قیاس	نظ	۰	ح	۰	میان اول و خط استواء	به واو مفتوح و فاء سپس الف و تاء در نقطه فوقانی در آخرش .

اوصاف و اخبار عامه

ابن سعید گوید: شهر یربر اقلاده «یربر»ها باشد و چون بیشترین مسلمان هستند برده آنها در بلاد اسلام یافته نشود.

ابن سعید گوید: قاعده مردم زغاوه در طول نه و عرض ید است. مردمش اسلام آوردند و به طاعت سلطان کائیم در آمدند. جنوبش مجالات «زغاویها» و «باجویها» است. سرزمینشان در سرتاسر اعوجاج نیل گسترده شده. و این دو گروه از يك جنس باشند، جز آنکه «باجویها» از «زغاویها» از جهت سیرت و صورت بهتر باشند. صاحب «العزیزی» گوید: از دقله تا بلاد زغاوه در سمت مغرب بیست مرحله باشد.

سحرته را مردمی است از جنس حبشیان

یکی از مسافران که بدانجا رفته بود حکایت کرد که: وفات را جبره نیز گویند. و آن بزرگترین شهر حبشه است و از زیلع تا آنجا بیست مرحله باشد. بناهای آن پراکنده است. چنانکه تختگاه برتلی است و قلعه برتل دیگر. وفات از دریا بسیار دور است. و آن در جانب غربی زیلع باشد. از آنجا موز و نیشکر خیزد. مردمش مسلمانند. و زمیتش مرتفع و سخت است. دارای وادی است و نهری خورد در آن جاری است. شبها غالباً باران فراوان آید.

ترجمة تفویہ البلدان

ردیف	نام محل	ساخته کاشف	بیت و فتن دریم از اعمی های مسرفی: بلاد سیلان				ضبط نامها
			خول		عرض		
			درج	دقیقه	درج	دقیقه	
۱۲	هدیجه	قیاس	نز	ج	ز	۰	به هاء و دال بی نقطه و یاء دو نقطه تحتانی سپس هاء در آخرش. (کسانی که آن را دیده اند چنین ضبط کرده اند)
۱۳	زینج	اطوال و قانون	سا	۰	۰	۰	ظاهرأ به فتح زاء نقطه دار و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح لام سپس عین بی نقطه در آخرش.
۱۴	مقبشو	ابن سعید عب	۰	ب	۰	۰	ضبط آن را در مزیل الارتیاب بدین شکل یافته ام: به فتح میم و سکون قاف و کسر دال بی نقطه و ضم شین نقطه دار و در آخرش واو.
۱۵	قاعده ککروور	ابن سعید یز	۰	ج	ن	۰	به فتح تاء دو نقطه فوقانی و کاف ساکن و ضم راه بی نقطه و سکون واو سپس راء دوم در آخرش.
۱۶	قرووی	ابن سعید سد	ل	۰	ل	ل	به قاف و راه بی نقطه و فاء و واو و نون در آخرش.

اوصاف و اخبار عامه

و نیز یکی از مسافران گفت : هدیه شهری است از حبشه و در جنوب وفات از آنجا بردگان به جای دیگر برند و نخست آنان را در قریه‌ای نزدیک هدیه خصی کنند .

ابن سعید گوید : زیلع شهر مشهوری است ، از شهرهای حبشه . مردمش مسلمانانند . بر ساحل دریاست . زیلع در سرزمینی پست واقع است . گرمایش سخت است . و آبش ناگوار . هیچ باغ و بستانی در آن نیست . مردمش هیچ میوه‌ای نمی‌شناسند . در «قانون» آمده است که : زیلع فرضه حبشه است به طرف زمین یمن . در آنجا صیدگاه مروارید است . زیلع میان خط استواء و اقلیم اول است . کسی که آنجا را دیده بود مرا حکایت کرد که : زیلع شهر کوچکی است به قدر عیناب و آن بر ساحل دریاست . شیوخشان بر ایشان حکم رانند . بازرگانانی را که بر آنها وارد شوند نخست مهمان کنند و سپس با ایشان دادوستد نمایند .

مقدشو بر ساحل دریای هند است . مردمش مسلمان باشند . نهری عظیم دارد . و چون نیل در تابستان آبش افزون شود . و گفته اند که با نیل مصر از دریاچه کورا بیرون آید و در نزدیکی مقدشو در دریای هند ریزد . ابن المجد موصلی در « مزیل الاریاب » گوید : مقدشو شهر بزرگی است از زیلع و حبشه .

ابن سعید گوید : قاعله تکرور بر دو جانب نیل است و نام آن تکرور است . مردم تکرور دو گروهند : گروهی شهر نشین و گروهی بیابان گرد . بیابان گردان بیستم بر جانب شمالی نیل جولان دارند و آنان را در جنوب اماکنی انلك است .

ابن سعید گوید : شهر قرفوئه ، بر ساحل دریاست . و نیز گوید : قرفوئه نخستین شهر بربر است بر ساحل دریای هند . در جانب شرقی آن از شهرهای بربر شهر برمه است . طول این شهر ۶۶ درجه و عرضش ۱ درجه است .

ردیف	نام بلد	سازنده	بیت نخستن از اعمیر ای حسرتی در بلاد سیستان				ضبط نام
			طول		عرض		
			درج	دقیقه	درج	دقیقه	
۱۷	ایبوی	اطوال	ه	ب	•	به باء يك نقطه و جیم سپس هاء در آخرش. از پروزا	
۱۸	مروکه	اطوال عج ابن سعید سط	ح	•	•	به میم و راء بی نقطه سپس کاف و هاء در آخرش. از پروزا	
۱۹	دمش	ابن سعید ند	ك	ط	ل	به دال می نقطه و میم سپس دال دوم و میم و هاء در آخرش.	
۲۰	حاجیه	ابن سعید مح	ك	ز	•	به جیم و الف سپس جیم دوم و هاء در آخرش ، (ضبط آنرا در کتاب ابن سعید چنین یافتیم)	

اوصاف و اخبار حاتم

بجه از بلاد بریر است نه از بلاه بجا که معادن زر آن نزدیک ائعلاقی است.
شرح بجا گذشت .

ابن سعید گوید: در مشرق خافونی، بر ساحل دریا شهر مرکه است. مردم
مرکه مسلمان اند. مرکه قاعدهٔ هاویه است. هاویه قریب به پنجاه قریه دارد و آن بر
کنارهٔ رودی است که از نیل مقدشو منشعب می‌شود و در دو منزلی مشرق شهر به دریا
می‌ریزد. از دریا نخوری به جانب مرکه جدا شود و در مشرق آن مدینهٔ السلام
مقدشو شهری که همواره تمامش بر زبان کسانی است که بدان ناحیه آمد و شد کنند
واقع شده.

ابن سعید گوید: دمدمه شهری است که «دمادم» از آن بیرون آمده و بر
بلاد نوبه وحیسه ساخته اند. خروج ایشان نیز در سال ۶۱۷ یعنی سال تحسوع
تر «بر ممالک عجم بوده است چه «دمادم» نیز «تتر» های سیاه اند. نزدیک
دمدمه شهر قلجور واقع است که شمشرهای قلسجوری منسوب بدان است و در آنجا
معدن آهن یافته شود. طول آن ۵۵ درجه و ۰ دقیقه و عرض آن ۲ درجه و نصف
درجه است.

ابن سعید گوید: جاجه کرسی مملکت جداگانه‌ای است و آن را شهرها و
بلاد است و اکنون در دست سلطان کانم باشد و او به جهاد مشهور است. جاجه به نعمت
و کثرت خیرات موصوف است. در آن طاووس و طوطی و ماکیانهای خال خالی و
گوسفندان ابلق و زرافه باشد. گوسفندان ابلق از نخری خرد جبه کوچکتر اند و هیئتشان با
گوسفندان دیار مافرق دارد. در مشرق آن بر ساحل دریاچه کوزا شهر مغزا دارالصناعه
سلطان کانم است. مغزا شهر مشهوری

ضبط نامہ	بيت و محض اجم از اجمالی سرنی: بلاد سیلان				سواد	نام	بلد	تاریخ
	اجم	ضنی	عزم					
			دقیقه	درجه				
به عیم و الف و تاء در نقطه فوقانی سپس الف دوم و نون در آخرش. (ضبط آن را در کتاب ابن سعید چنین یافتیم)			بیج		ابن سعید نا	ساکنان	۲۱	

اوصاف و احوال طائره

این سعید گوید: ما تان بر ساحل دریاچه ای است معروف به دریاچه کوری و در جنوب آن جیمی، قاعده کانیم است و از شهرهای آن - این دریاچه همان است که نیل مصر و نیل مقدشو و نیل غانه از آن بیرون می روند. درازای آن هزار میل است و رأس شرقی آن در طول نا واقع شده. پهنایش در جانب رأس نه درجه و نصف درجه است. سپس کم کم وسعت یابد تا پهنای وسط آن به چهارصد و پنجاه میل رسد و وسعت ذیل آن به سیصد و شصت میل. این فاطمه گوید: من کسی را ندیدم که جانب جنوبی آن را دیده باشد. چه اطراف آن دریاچه را از هر سو سیاهان وحشی و کافر و آدمی خوارفرو گرفته اند. ساکنان ناحیه شمالی اینان را «بنی» گویند. و شهرشان نیز به همین اسم موسوم است. نیل غانه از این دریاچه بیرون آید. و اطراف آن مجالات این «بنی» هاست. در جانب غربی جایی ها هستند و ایشان همان کسانی اند که دندان های خود تیزی کنند و چون کسی از ایشان بمیرد جسدها را به همسایگان دهند و همسایگان نیز در عوض چنان کنند.

ذکر جانب شمالی زمین

مشمول بر بلاد فرنگان و ترکان و غیر ایشان

از بلاد آن طرف است :

بوئییه - به ضم باء يك نقطه و سکون واو و لام و یاء آخر حروف و هاء ، مملکتی است بر ساحل دریای روم ، در مغرب جون ائبنا دقه و برابر مملکت باسلیسه در آن سوی آب .

پادشاه بوئییه را در زمان ما دیدشاد گویند . و بوئییه را گاه از ولویه خوانند .

قلقریه - در مغرب بلاد بوئییه ، قلقریه باشد . به فتح قاف و تشدید لام و سکون فاء سپس راء بی نقطه و یاء آخر حروف . و قلقوریه به واو نیز خوانده شود . و آن جزء مملکت دیدشاد صاحب بوئییه است .

مردم قلقریه یونانیان باشند . و یونان بلادی است بر ساحل دریای روم .

باسلیسه - به فتح باء يك نقطه و الف و کسر سین بی نقطه و لام و یاء آخر حروف و سین بی نقطه دوم و هاء ، مملکتی است بر ساحل دریای روم

نزد دهانه جَوْنِ الْبِنَادِقَه، برابر جَوْنِیَه در آن سوی آب . بلاد بَاسِلِیَسَه از دهانه جَوْنِ الْبِنَادِقَه به سوی قَسْطَنْطِیْنِیَه کشیده شده . بَاسِلِیَسَه نام زنی است که در این زمان حکمران آن بلاد است .

مرا - به فتح میم و راه بی نقطه و الف ، مملکتی است که از دهانه خلیج قَسْطَنْطِیْنِی بر ساحل دریای روم آغاز می شود و به طرف مغرب امتداد می یابد و مشتمل است بر قطعه ای از ساحل دریای روم و بر بلاد و جبالی خارج از آن دریا . این مملکت مشترک است میان حکمران قَسْطَنْطِیْنِیَه و جنسی از فرنگ که به نام «قیتلان» به قاف یا کاف و یاء ساکن آخر حروف و تاء دو نقطه فوقانی و لام و الف و نون .

مَلْفَجُوط - در مغرب مملکت مِرا ، مملکت مَلْفَجُوط است ، به فتح میم و سکون لام و فتح فاء و ضم جیم و واو و در آخرش طاء بی نقطه . مَلْفَجُوط قومی از رومیان هستند و زبانی مخصوص به خود دارند .

اِقْلِرْنِس - در مغرب بلاد مَلْفَجُوط بلاد اِقْلِرْنِس است به کسر همزه و سکون قاف و کسر لام و راه بی نقطه و سکون نون و در آخرش سین بی نقطه . مردمش از یونانیان اند و تحت حکم بَاسِلِیَسَه هستند . این مملکت بر ساحل دریای روم است . در مغرب بلاد مَلْفَجُوط و میان مَلْفَجُوط و بَاسِلِیَسَه .

ادریسی گوید : درازای کنیسه رومیه ششصد ذراع است و پهنای آن نیز ششصد ذراع . سقفش از سرب و زمینش از مرمر است . ستونهای بسیار و عظیم دارد . از آخرین در که به درون آئی در طرف راست حوض بزرگی است از مرمر ، برای تعمید . که آب هدواری در آن جاری است . در صدر کنیسه کرسی زرینی است که پاپ بر آن می نشیند . و در زیر آن

دری سیمین است که چون از آن داخل شوی و از چهار در دیگر بگذری به سردابی رسی که در آن بطرس حواری عیسی علیه السلام مدفون است. در این شهر کنیسه دیگری است که مقبره پولس در آنجاست. و در جوار قبر بطرس حوض مرمری است بزرگ و منقوش که در آن فرشها و پردههای کنیسه را می گذارند. با این پرده ها و فرشها در اعیاد آذین بتندند. در بیرون کنیسه ستون بزرگی است بر چهار پایه مسین نهاده. این پایه که ستون بر آن قرار دارد مربع شکل است و هر ضلع آن دوازده ذراع است و هر چه آن عمودبالاتر رود باریک تر شود. بالای این ستون، ستون مسین دیگری است و بر فراز آن کره ای است زرتنگار به قطریک باع (= چهار ذراع) و آن را چنان فروغی است که از فاصله دوازده میل دیده شود و از آن جای کنیسه را دریابند.

بلاد تسقان - در مغرب رومیه بلاد تسقان است: به ضم تاء دو نقطه فوقانی و سکون سین و قاف و الف و نون. مردمی هستند از جنس فرنگ. پادشاهی ندارند که بر آنان حکومت کند، بلکه حکومت به عهده بزرگانشان باشد. تسقان زعفران خیز است.

کوه های برکان و استنبیری - از کسی که آن بلاد را دیده بود شنیدم که: رو به روی رومیه در دریادو کوه است یکی به نام برکان به ضم باء يك نقطه و سکون راء بی نقطه و کاف و الف و نون. و دیگر استنبیری به کسر باء يك نقطه تحتانی و راء بی نقطه و باء آخر حروف. بدان که معنی برکان و استنبیری رعد و برق است.

اما هرپف ادیسی گوید: برکان نام دو کوه است یکی در جزیره ای جداگانه در شمال صقلیه و در عالم کوهی زشت منظر تر از آن دیده نشده. و دیگر کوهی است، در زمینی مسست خاک باغارهای بسیار. ادیسی گوید: پیوسته

از آن کوه ، گاه شعله و گاه دود خیزد . و چون باد وزیدن گیرد بر در آن غارها تپه‌های رمل گرد آید چنانکه گوئی ماده آن آتش‌اند . و همو گوید: در آن غارها سوراخ‌هایی است که پیوسته از آنها صدائی چون زوزه‌سگان آید . قرم - به کسر قاف و راه بی نقطه و میم در آخر . نام چند اقلیم است و مشتمل است بر چهل شهر . از آن جمله است صَلْغَات و صُودَاق و کَفَا . این شهرها همه مشهور اند . گاه قَرِم تنها به صَلْغَات اطلاق شود . این سه شهر چون اجاقی هستند . به این طریق که صَلْغَات در شمال غربی کَفَا و در شمال شرقی صُودَاق و کَفَا در مشرق صُودَاق است . و هَرِیک از این سه شهر را بادیگری یَک روزه راه است . صاری کرمان در مغرب این سه واقع شده و میان آن و صُودَاق پنج روزه راه فاصله است .

اندس - در «العزیزی» آمده است که : خلیج قُسْطَنْطِیْنِیَه چون به جانب جنوب آن شهر پیش رود تنگ شود چنانکه پهنای آن به یَک تیر پرتاب رسد ، اینجا را اندس گویند . و مسلمة بن عبدالمک از این مکان گذشت و به قُسْطَنْطِیْنِیَه در آمد . موضع مذکور نزدیک مصب خلیج است در دریای روم . پندارم که اندس که صاحب «العزیزی» از آن نام برده همان شهری است که در کتب آن را بَرَنَدِیس نوشته‌اند و من ضبط آن را به تحقیق در نیافتم . بَرَنَدِیس در اول خلیج قُسْطَنْطِیْنِی است از جهت جنوب غربی .

در «العزیزی» آمده است که : خلیج بر مشرق و شمال قُسْطَنْطِیْنِیَه احاطه دارد . ولی دو طرف جنوبی و غربی آن خشکی است . و شهر در این دو طرف در حدود صد دروازه دارد .

اعمال قُسْطَنْطِیْنِیَه دوازده است که همه در مغرب و مشرق خلیج

واقع شده‌اند. من می‌گویم: آنکه کارگزار عمل ناحیه شرقی خلیج است دمشق نامیده شود، که در شرح جنگهای مسلمانان با رومیان، در زمان فالدوله بن حمدان نام او فراوان دیده‌شود.

کوه‌اجر - از این بلاد است: کوه‌ماجر به ضم کاف و سکون واو و میم مشدد و الف و جیم و راه بی نقطه، و آن شهری است در مملکت قتر بر سه نزدیک به وسط باب‌الحدید و آزق در مغرب باب‌الحدید با انحرافی از هر دو به جانب

نزدیک به این بلاد «لکزی» ها هستند و ایشان در کوهستانی که میان تاتارهای شمالی یعنی «تاتار برکه» و تاتارهای جنوبی یعنی «تاتار هلاکو» واقع است، زندگی می‌کنند. شهرشان را قتر، به فتح لام و سکون کاف و در آخرش زاء نقطه‌دار، خوانند.

در شمال قوم «لکز» «قیتق» ها هستند. قیتق به فتح قاف و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح تاء دو نقطه فوقانی و در آخرش قاف دوم. «قیتق» ها مردمی راخزن باشند.

بلاد روس - از بلاد شمالی معموره زمین جلاد روس است. آنان در شمال شهر جلار هستند. در جدول ذکر آن آمده است. در شمال روس قومی هستند که در غیاب خرید و فروخت کنند. یکی از مسافران به آن نواحی گفت: سرزمین ایشان به دریای شمالی پیوسته است. و چون قوافل به دیار ایشان رسند در آنجا درنگ کنند تا آگاه گردند. آنگاه به مکانی که جهت دادوستد معین شده، روند. و هر بازرگان کالای خود را بر زمین نهد و به خانه خود بازگردد، سپس آن قوم بیایند و در مقابل هر چه بردارند، پوست سمور و روباه و قاقم و چیزهای همانند آن بگذارند. دیگر روز

بازرگانان باز گردند و هر کس به عوض کالای خود نگیرد اگر بدان راضی بود برگردد و گرنه آنرا همانجا نهد تا او را راضی کنند .

بلاد بیطو - ابن سعید گوید : بلاد بیطو در ساحل دریای محیط در اقلیم هفتم ، واقع شده . مردمش از فرنگان هستند . و بر طبق سنتی قدیم چون پادشاه فرانسه بمیرد ، شاه نورا از آنجا برگزینند .

بریس - در شمال بیطو در طول کوه ، ل مصب رود بریس است . بر میان این رود و بر دو جانبش شهر بریس قاعده آفرنسه واقع است . این شهر نیز چون شهر باب ، شامل سه قطعه است . قطعه میانی جزیره ای است از آن فرنیسی پادشاه آفرنسه . و قطعه جنوبی جای سپاهیان است . و قطعه شمالی جای سایر امراء و بازرگانان و رعایا .

رود بریس از کوه دنیوس فرود می آید . جانب شمالی این کوه را ملبحه گویند و از مشرقش رود دنیوس جاری است . گویند این رود از نیل و جیحون بزرگتر است و آن را رود دونا نیز گویند و ترکان رود دنا خوانند . بر دو جانب این رود و در جزایر درون آن تا مصبش در دریای فسطینیه شهرها و دیه های بسیار باشد . جز آنکه نامشان اعجمی است و بیشتر برای ما مجهول .

بلاد آلمانیه - در جنوب و شمال این رود بلاد طولانی آلمانیه واقع شده و می گویند چهل ملک دارد و پادشاهش را «امپراطور» یعنی «ملك الملوك» گویند و عامه «انرور» خوانندش . پایتخت قدیمی آن چنانکه در کتب مذکور است ، شهر جیسه است ، در طول لب و عرض مو ، کز . در شمال آن کوه جرو اسپای بزرگ است . این کوه از طرف شمال به کوه های لنبردیه و کوه های اشتفونیه متصل است .

سَقْسِین - ابن سعید گوید : شهر سَقْسِین مشهور است . در طول سز
و عرض نج . و در مشرق آن شهر سُوّه است . و آن نیز شهری است
مشهور و همواره به سَقْسِین نسبت داده شود .

در کتاب «الاطوال» آمده است که : سَقْسِین به حذف یاء طولش فسب ،
ل و عرضش من محتمل است که جای دیگری باشد .

اِبْخَاز - ابن سعید گوید : اِبْخَاز در مشرق آرکشیته بر ساحل دریا
واقع شده . و آن فرضه‌ای است از فرضه‌های تُرَج . مردمش از نصاری
باشند . طول آن سح ، ل و عرض آن مو است . صاحب «العزیزی»
گوید : شهر بزرگ اِبْخَاز معروف است به آرطَنُوج .

عَلَان - ابن سعید گوید : در مشرق اِبْخَاز بر ساحل دریا شهر عَلَانیه
واقع است . گروهی از عَلَان در آن سکونت دارند . ایشان ترکانی هستند
به نصرانیت گراییده . طول آن سَط است و عرض آن مو . «عَلَان»
مردمی بسیاراند .

پشت جنب الابواب و مجاور آن قومی از ترک هستند به نام «آس»
که همچنان بر رسوم خود باقی هستند .

قلعه عَلَان یکی از قلاع بزرگ عالم است ، سر بر ابر کشیده . در
طول عج ، کد و عرض مه ، م . این قلعه بر قله کوهی است در
جنب باب الحديد . گویند که تاتارها برای تصرف آن رنج فراوان بردند
و آخر الامر جز به نیرنگ آنهم پس از مدتی دراز نتوانستند بر آن
دست یابند .

ناحیه‌ای که در شمال بارو - که امروز درب‌ها در آن قرار دارد -
واقع شده ، مملکت برکه پادشاه تاتارهای مسلمان است و قسمت جنوبی آن

از آن فرزندان هلاکو است .

خزریه - در مشرق علائیه بر ساحل خلیجی در انتهای دریای سنوب ، شهر خزریه واقع شده . این شهر منسوب است به « قوم خزر » که « قوم روس » ایشان را برانداختند . و این دریا را که دریای خزر گویند بدان قوم منتسب است . خزریه در طول عا و عرض مه ، ل قرار دارد ، بر ساحل رودی که از جانب شمال آن به دریا می ریزد .

طوما - بزرگترین رودی که به دریاچه طوما می ریزد ، رود بزرگ طنابرس است . بر ساحل این رود شهرها و دیه های « بلغار » و « ترك » است و نیز بر گرد آن دریاچه مساکن بسیاری است که بیشتر ساکنان آن از « بلغار » و « ترك » باشند . بیشتر مسلمان و باقی برکیش نصرانیت هستند . قاعده مشهور این نواحی شهر طوما است که دریاچه بدان منسوب است : در طول سط و عرض نج ، کز . در جنوب آن به طرف دریای خیطش ، شمشادستان باشد . شمشاد از آنجا به دیگر بلاد عالم برند و آن درخت نیک بالنده است .

مطرخا - بر ساحل دریا شهر مطرخا واقع است . دارای بلاد و و پادشاه مستقلی است . مطرخا در گوشه شمال شرقی دریا در طول عا ، مب و عرض نا قرار دارد .

در مشرق مطرخا ، رود غنم جاری است . بر کرانه های این رود بلاد سردر باشد بر کوهی متصل به جبل آسن - رود غنم رود بزرگی است و در زمستان یخ بندد چنانکه چار پایان از روی آن بگذرند . این رود به دریای خزر می ریزد .

در جنوب رود غنم ، رود ایل کوچک ، به دریا می ریزد . ایل کوچک

از سوی اقل بزرگ می آید و از جنوب رود غنم می گذرد . چنانکه میان آن دو جزیره ای به وجود می آید به پهنای سه مرحله .

لشکر هلاکو برای جنگ با برکه از این رودها گذشت . برکه آنانرا شکست داد و هنگام هزیمت گروهی از ایشان در رود غنم غرق شدند . و آنها که از یکی از آن دورود نجات می یافتند در دیگری غرقه گشتند . گویند هنگام برف بود و برف ایشان را فرو پوشید و هنوز هم از آن رودها آلات نبرد چون جوشن بیرون آورند .

شهر برطاس - برطاس در مشرق شهر سرجر است . در طول عوو عرض ن ، ن ب . برطاس قاعده این گروه از تورکان است . شهر بر دامنه کوه بزرگ قرمانیه است . و کوه چون دایره ای شمال آنرا در حدود سی و هشت روزه راه تا کنار رود طنابرس فرا گرفته است . از این کوه رودهای بسیار جاری است و این رودها به سوی دریاچه طوما روان هستند .

برطاس را بر کناره های رود اقل که در مشرق و جنوب آن جاری است مجالات بسیار است . در مشرق برطاس خلیج های بسیار خردی است . دریاچه مازغا آنجا است . گرد بر گرد این دریاچه هشت روزه راه است و رودی در آن می ریزد و از آن بیرون می آید . این رود در رود اقل می ریزد .

قلعه درمو بر کوه قرمانیه است . قلعه بزرگی است و مرکز ذخایر پادشاه غز است . برای رسیدن به برطاس باید از آنجا گذشت . در طول ض و عرض ن ، ن در شمال این ناحیه مجرای رود بزرگ طنابرس

سقسین - بر ساحل طنابرس شهر سقسین واقع است . این شهر

اکنون در دست فرزندان پیر که پادشاه تاتارهای مسلمان است . در سقین مدارس و مساجد بسیار است . در مشرق آن در حدود دهوانسد درجه سرچشمه رود طنابیرس واقع شده . این رود از کوه بلند احذب که به کوه شمالی متصل است جاری می شود و به دریاچه طوما می ریزد . - در طول قز ، ل و عرض سا - در جنوب این کوه کوه ارسافا است ، از مشرق به مغرب کشیده و از آن دو رود بزرگ به جانب رود اقل جاری است . و در مشرق آن کوه اسقاسیا از شمال به جنوب امتداد دارد . در دامنه این کوه جلاد قاماتیبه واقع است و ایشان قومی از ترک هستند و به نجوم و احکام آن اعتقاد بسیار دارند . در آنجا دریاچه ای است معروف به عنقوه . درازای آن از مشرق به مغرب با انحرافی به جنوب یازده روزه راه است و پهنای آن چهار روزه راه . کوه طغورا از جانب مغرب بر آن احاطه دارد . طغورا قاعده قاماتیبه است ، در طول قیو و عرض نه .

طغورا را شهرهایی است بر کناره رودهایی گمنام که از آن کوه فرود آیند و در دریاچه ریزند .

در مشرق بلاد قاماتیبه ، کوه بیچناک واقع است . این کوه از شمال به جنوب کشیده شده و از آن دو رود بیرون آید . آنکه از شمال جاری شود به مغرب گردد و از آن دریاچه ای پدید آید که گرداگرد آن در حدود صد میل است و در جانب غربی آن شهر بیچناکیه واقع شده . بیچناکیه مقر خاقان بیچناک است . و ایشان قومی از ترک هستند که خود و هر کس دیگر را که به دستشان افتد بسوزانند . شهر در طول فکه و عرض نه باشد .

بیچناک را کوه دیگری است که از اقلیم هفتم می آید و به کوه

سَهْرُوجِيَه متصل است و از آن رودی فرود آید و به دریاچه‌ای ریزد که درازا و پهنای آن صد میل است . بر ساحل این دریاچه و بر کناره‌های آن رود شهرهائی است از بَجْنَاك و هم گمنام . از این دریاچه نهری بیرون آید که به جانب مغرب جریان یابد و به دریاچه دیگری ریزد .

طِیغُوا - بر ساحل این دریاچه شهر طِیغُوا است . و آن شهری است از آن پادشاهی از بَجْ مَک . و با آنکه خِصَاقَانِیْت در میان ایشان مسروئی است . حکمران بَجْنَاکِیَه مدتی با او جنگید . این جنگ بر بالائی واقع شد در طول قُل و عرض نَب ل .

در مشرق بَجْنَاک سرزمین گنده‌بو قرار دارد و جز به بادهای خوش کسی به آن سرزمین خالی ، دست نیابد .

بِلَادِ بَسْجَرْت - در شمال آن بِلَادِ بَسْجَرْت است و ایشان قومی از کفاراند ، چنانکه کس بر ایشان داخل نشود جز آنکه او را بکشند .

مَحْفُورَه - در مشرق بَسْجَرْت ، بِلَادِ مَحْفُورَه است . و آن سرزمینی است مدور . درازا و پهنای آن هریک چهار روزه راه باشد . و گویند در آنجا قومی زیست کنند که به سبب عمق دیارشان نتوانند بالا آیند و کس را نیز برای آن نیست که نزد ایشان فرود رود . کوه معروف به سلسله الارض در آنجا است . حد شرقی آن در طول قَمز ، ل و حد جنوبی آن در آخر عرض اقلیم هفتم است .

بِلَادِ خَفْشَاخ - و در شمال آن بِلَادِ خَفْشَاخ است . بیستی گویند : خَفْشَاخ به صورت قفچاق در آمده است . این ناحیه از جانب غربی به قَسْطِیْطِیْنِیَه پیوسته است . قفچاق را پیش از این پادشاهانی بود ولی قوم «مغول» دو نشان را بر افکند . در نهایت این دیار کوه محیط بر یاجوج و ماجوج

به کوه سلسله الارض می پیوندند .

باشقره - ابن سعید گوید : بلاد باشقره در اقلیم هفتم واقع است .
«باشقرهها» مجاور «آلمانی» ها هستند و با آنها پیمان های مؤکد دارند .
مردمی مسلمان اند . یکی از فقه های ترك ایشان را به دین اسلام فرا خوانند .
بیشتر شهرها و دیه ها شان بر کناره رود دوما است . و در جنوب آن رود در
طول لط ، کح و عرض مو مع شهر قیرات که قاعده آن دیار است
واقع شده .

قیرات ، از شهرهایی است که «مغولان» آن را خراب کردند .
بلاد هنتقر - در مشرق بلاد باشقره ، بلاد هنتقر است . ایشان با «باشقره» ها
برادر اند . شهرها و دیه ها دارند بر ساحل رود . قاعده بلادشان نیز قرقیبوا
است . در طول مب و عرض مو . این شهر نیز مغلوب «تاتار» ها واقع شد .
در مشرق ایشان شهرها و آبادی های بسیار است همه جزء مملکت اشکری
فرمانروای قسطنطنیه .

لویانیه - ابن سعید گوید : به قولی لویانیه در تصرف پادشاه صقلاب
است . شهری است عظیم و بندرش در دریای محیط مشهور و همواره کشتی های
بسیار بدان لنگر اندازند و نیکوترین بندرهای آن ناحیه است . در مشرق آن قاعده
ای از قواعد مملکت به نام صاصین قرار دارد . صاصین بر ساحل دریای محیط است .
صاحب «العزیزی» گوید : بر جانب راست بلاد بلغار به طرف
جنوب مملکت کاساق واقع شده .

«کاساق» ها قومی هستند میان آبخازو آلان .

در جانب راست بلاد بلغار و جنوب مملکت آلان تا آخر حد بلغار
تا آنجا که از جنوب به مملکت خزر که آخر حد بلغار است متصل شود ،

قومی هستند به نام مِروسیه . اینان طایفه‌ای از بلغاریان هستند که اندامی ستبر دارند چنانکه ده تن از زورمندان اقوام دیگر در برابر يك تن از ایشان پایداری نتواند . لیک مردمی نادان‌اند . و آفتاب را می پرستند .

در مشرق مِروسیه تا جلاو روسیه در جانب شمالی صقلاب، بیابانی است که در آن هیچ آبادانی نیست تا به دریای محیط رسد . و از شدت سرما کسی در آن دیار زیست نکند تا روسیه . در روسیه مردمی باشند که سرزمینشان از جانب شرقی به ترکان «غز» پیوندد .

تاریخ	نام بلد	ساخته	بیت و سخن از ائمه اهل بیت علیهم السلام: جانب شمالی				ضبط نام ما
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱	جردهال	ابن سعید که	۰	مد	۰	بعض باء يك نقطه و سکون راء بی نقطه و فتح دال بی نقطه سپس الف و پند از آن لام .	
۲	نبردیه	ابن سعید ل	ن	م	ن	به لام مشدد مضموم و نون ساکن و باء يك نقطه مفتوح و راء بی نقطه ساکن و دال بی نقطه و یا و دو نقطه تحتانی و هاء . و برخی از مردم ، نوبردیه و انبردیه نیز گویند.	
۳	جنوه	ابن سعید	لا	ج	کا	به فتح جیم و نون و واء سپس هاء در آخرش.	
۴	بیزه	قیاس	لب	م	کفا	به باء يك نقطه مکسور و سکون یا و آخر حروف و زاء نقطه دار و هاء و گاه زاء رابه سین نقطه دار بدل کنند .	

اصناف و اخبار طار

شهر بردال در شمال یرشلوئه است . شمیر های آن مشهور است . در مشرق دریاچه های شیرین آب واقع شده . رودی در آن می ریزد به نام طلوه . این رود پس از عبور از دریاچه ای به دریا می ریزد .

لنبرديه ، بلادی است محاط به کوههایی تاحد جنوه . پادشاه لنبرديه در زمان ماصاحب قسطنطنیه است . پادشاهی را از خال خود مازکیس به ارث برده . در مغرب بلاد لنبرديه دیار « ریدرافون » است و روبرو روی آن در دریا جزیره مایرقا . « رید » به کمر راه بی نقطه و سکون یاه دونقطه تحتانی سپس دال بی نقطه به معنی ملک است و « راقون » به راه بی نقطه و الف وقاف مضموم و واو ونون در آخر آن .

این سعید گوید جنوه بر مغرب خلیج بزرگی است از دریای روم . کوه لنبرديه نزدیک جنوه است . بلاد جنوه در مغرب بلاد بیازیه واقع شده . ادیسی گوید : جنوه را یاغها و درههاست . لنگرگاه زیبا و امنی دارد که مدخل آن از ناحیه غربی است . یکی از مردم آنجا برای من حکایت کرد که جنوه در دامن کوهی عظیم است بر ساحل دریا و بندری دارد که گرد برگرد آن باروئی است . شهر بسیار بزرگ است و با بستانهایی از انواع میوهها . خانهها آنچنان عظیم است که هر خانه ای خود به مثابه قلعه ای است . و از این رو از ساختن قلعه بی نیاز اند . و در آن چشمههایی است که هم از آبشان می نوشند و هم بستان های خود را سیراب می کنند .

بلاد بیوزه در مغرب رومیه است . مردمش را پادشاهی نیست و برای حل دعاوی خود به پاپ خلیفه نصاری رجوع کنند . فرنگیان بیازیه منسوب بدان هستند . رو به روی بیوزه در دریا جزیره سردانیه است .

خط نام	ست و پنجم از هم نامی عربی: جانب شمالی				سوره	نام	بلد	شماره
	عربی		طول					
	عربی	عربی	دقیقه	دقیقه				
قاعدة بنادقه	از دهم	•	مد	•	ابن سعید لب	چندگیه	۵	
		•	مو	•	اطوال لو			
قاعدة پاپ	از پنجم و ششم	ن	م	ل	خوارزمی	رومیه	۶	
		ن	م	ل	ابن سعید قانون			

بضم یاء یك نقطه وسكون
نون سپس دال بی نقطه و
قاف و یاء دو نقطه تحتانی
و هاء در آخرش.

رومیه نامیده شود و ضبط
آن مشهور است. در کتاب
الاطوال آمده است که
آن را رومیه الکبری
گویند.

اوصاف و احوال عامه

ابن سعید گوید : بندقیه در مشرق بلاد نبردیه است و آن بر ساحل خلیجی است معروف به چون البنادقه . بناهای این شهر در دریاست . و زورق ها از میان شهر می گذرند . چنانکه زورق هر کس بر درخانه او بایستد . مردم بندقیه را جائی که در آنجا قدم زنند نیست . مگر محله ای که در آن بازار صرافان باشد . و آن را بدان جهت ساخته اند که اگر کسی را هوس قلم زدن حاصل آید در آن محله قدم زند . پادشاهشان از خودشان باشد . و او را دوک گویند به ضم دال بی نقطه و واو و کاف در آخر . [در یکی از رودهایش زری مایل به سبز یافته شود . در آنجا السوار های عظیم چوب به دست آید . بر کنار چون البنادقه کوه اشکفونیه واقع شده و آن جای پیشه ها و مآمن بازها و مسکن مردان دلیر است . و این مردان همواره بر مردم جنوه غلبه یابند . و نیز جزایر کوچکی است متعلق به آنها . از اعمال بندقیه است : جزائر تقرینت ، به فتح نون و سکون قاف و راء بی نقطه و فتح باء يك نقطه تحتانی و سکون نون و تاء دو نقطه فوقانی در آخرش . و بسیار اتفاق افتد که کشتی های دزدان بین این جزایر کمین گیرند . در شمال جزیره تقرینت و مشرق آن سر زمین استیب واقع شده . استیب به فتح همزه و سکون سین بی نقطه و کسر تاء دو نقطه فوقانی و سکون یاء دو نقطه تحتانی و در آخرش باء يك نقطه تحتانی . در استیب اطلس معدنی به دست آید .

ابن سعید گوید : رومیه بر دو جانب نهر الصخر است . شهری است مشهور . مقر خلیفه نصاری است موسوم به پاپ . رومیه در جنوب چون البنادقه است و در مغرب قلنبریه . در کتاب ادیسی آمده است که : گرد بر گرد رومیه بارویی است بیست و چهار میل از آجر بر آورده . رودی شهر را به دو قسمت کند و به روی آن پل هائی ساخته اند . مهلبی گوید : رومیه شهر عظیمی است . کوهها از جانب مغرب و جنوب آن را احاطه کرده اند . مشرقش جلگه و شمالش دریاست .

ردیف	نام بلد	ساز مآخذ	بیت الحرفین رسم در اعجمی های عربی: جانب تالی				ضبط نام		
			طول		عرض				
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه			
۷	جرشان	رسم قانون اطوال ابن سعید	۴	۰	۰	مه	۰	قاعده آن بلاد از ششم	به ضم باء موحد و سکون راء بی نقطه و فتح شین نقطه دار سپس الف و نون در آخر و آن را بر جان فیز گویند.
۸	ایرانیه	ابن سعید اطوال قانون	مب	۴	مب	۴	لر مب مب	از چهارم	به همزه و باء دو نقطه و نون سپس باء دوم و هاء در آخرش.
۹	قسطنطنیه یا قوز خطیا	رسم قانون اطوال ابن سعید	مط	ن	مط	مه	ن	از ششم	به ضم قاف و سکون سین بی نقطه و فتح طاء بی نقطه. (الباب) [وسکون نون و کسر طاء دوم] و سکون باء دو نقطه تحتانی سپس نون.
۱۰	ماقدونیّه	اطوال قانون	ن	مه	مط	مه	ما م	از پنجم	به فتح میم و الف و قاف ساکن و ذال نقطه دار مضموم و واء سپس نون و باء دو نقطه تحتانی و هاء در آخرش.

اوصاف و اخبار عامه

ابن سعید گوید : برشان قاعده قومی است که ایشان را «برجان» گویند . این قوم را در قدیم الایام شهرت و قدرتی بود . الثانیه بر آنان مسلط شدند و آنها را برانداختند چنانکه نه کسی از آنها برجای ماند و نه اثری .

صاحب «قانون» گوید : ایشیه شهر حکمای یونان است . ابن سعید گوید : فرمان اسکری صاحب قسطنطنیه تا آنجا جاری است . شهر در شمال غربی خلیج است . ابن حوقل گوید : ایشناس شهری است در نزدیک دریا و در آنجا مجمعی است از نصاری . نیز دارالحکمه یونان است و خزانه علم و حکمت آن دیار .

صاحب «الجزیری» گوید : بلندی باروی قسطنطنیه بیست و یک ذراع است . چهارده بازار دارد . یکی از مسافران گفت : باروی قسطنطنیه بس بزرگ است . کنیسه آن مستطیل است . دارالملک را دربار گویند . و دربار از کنیسه دوراست . درون بارو کشتزارها و مزارع است . در شهر خرابه‌های بسیار یافته شود . بیشتر آبادانی‌ها در جانب شمال شرقی است . در کنار کنیسه ستونی است بلند که گرداگرد آن بیش از چهار ذراع است . بر سر آن تندیس سواری است از مس که به یک دست کراهی دارد و به دست دیگر بدان اشاره کند . گویند آن تندیس قسطنطین بانی شهر است . ابن سعید گوید : قسطنطنیه را قسطنطین واضع کیش نصرانیت بنا کرده . میان قسطنطنیه و سنوب شش روزه راه است از خشکی .

صاحب «قانون» گوید : ماقدونیه شهر اسکندر است . ابن خردادبه گوید : از اعمال قسطنطنیه است : بلاد ماقدونیه . ماقدونیه در مغرب خلیج قسطنطینی است .

ضبط نام	بیت هشتم از همزه های عربی و جانب تالی						سوره ماخذ	نام شعبه	ردیف
	عربی	عربی خفیه	عرض		طول				
			دقیقه	درج	دقیقه	درج			
به صاد بی نقطه و سکون قاف و کسر جیم شبیه به شین نقطه دار در آخرش یا به دو نقطه تحتانی .	از اولاق و بلاد قسطنطنیه	از هفتم	.	ن	ل	م	اطوال	دستچی	۱۱
ظاهرا به همزه و سکون یا به یک نقطه و ضم زاء نقطه دار و وار در آخرش .	از بلاد قسطنطنیه	از ششم	.	مه	مط	مط	ابن سعید	آبزو	۱۲
به فتح همزه و سکون قاف و فتح جیم و الف و فتح کاف و راء بی نقطه و میم و الف و فون در آخرش .	از بلغار و ترک	از هفتم	.	ن	.	مه	قیاس	آبجا کرمان	۱۳
به طاء بی نقطه مکسور و راء بی نقطه ساکن و فون مفتوح و واو در آخرش .	از بلاد اولاق	از هفتم	.	ن	ل	مز	قیاس	طرفو	۱۴

اصناف واحجار عامه

صقجی شهری است متوسط در مصب رود طنا بر دریای نیطش بر سرزمینی هموار، نزدیک به قشقاطاع. از اقبجا کرمان پنج روزمراه فاصله دارد و با قسطنطنیه بیست روزه از راه خشکی در جنوب غربی طناست با قسطنطنیه بر یک بر است. بیشتر مردم صقجی مسلمانانند. قشقاطاع به فتح قاف و سکون شین نقطه دار و قاف دوم و الف و طاء بی نقطه و الف و غین نقطه دار.

ابن سعید گوید: ایزو بر دهانه خلیج قسطنطنینی است از جانب مشرق. و همو گوید که: خلیج بدان منسوب است و گویند: خلیج ایزو. شهر از آن «خرائطه» است و مقصود از «خرائطه» مسیحیانی است که ریش خود نمسی تراشند. ابن سعید گوید: پهنای خلیج نزد دهانه ایزو به قدر یک پرتاب تیر است. خلیج تا پنجاه میل همچنان باریک است و از آنجا وسعت می گیرد.

اقبجا کرمان شهرکی است بر ساحل دریای نیطش و مغرب صاری کرمان میان آن دو پانزده روزه راه است. اقبجا کرمان در سرزمینی هموار است. برخی از مردمش مسلمان هستند و برخی کافر. در نزدیک آن رود طرئو به دریا می ریزد و آن رودی است چند نهر عاصی در حماة. طرئو به ضم طاء بی نقطه و سکون راء بی نقطه و لام و واو. میان اقبجا کرمان و صقجی در حدود پنج روزه راه است.

شهر طرئو در مغرب صقجی است به فاصله سه روزه راه. مردمش از کفاراند. قومی هستند موسوم به «اولاق» و نیز ایشان را «برغال» گویند. در «رسم المعمور» آمده است که: طرئون بر ساحل دریاست. طولش قح، ن و عرضش م نه است. محتمل است که مقصود صاحب «رسم المعمور» همین شهر باشد. یکی از مسافران گفت که: طرئون شهری است بر ساحل خود برغال.

ضبط نام	بیت پنجم ایزم در تعلیم های عربی، جانب شمالی				سهم ماخذ	نام بلد	ردیف		
	ایزم عربی	ایزم عربی	عرض					طول	
			درجه	دقیقه				درجه	دقیقه
به فتح صاد بی نقطه و الف و کسر راه بی نقطه و یاء دو نقطه تحتانی و ضبط کرمان پیش از این گذشت .	ز بلغار و ترک	از هفتم	.	ن	.	نه	قیاس	صاری کرمان	۱۵
به کسر قاف و سکون راه بی نقطه و سکون قاف دوم و کسر راه بی نقطه در آخرش، و به ترکی به معنی چهل مرد است .	از بلاد آص	از آخر هفتم	.	ن	ل	نه	قیاس	فوق قریه	۱۶
به ضم صاد بی نقطه و و او و فتح دال بی نقطه و الف و قاف در آخرش .	از بلاد قرم	از او آخر هفتم	.	تا ن	.	نو نر	ابن سعید قیاس	صو اقی	۱۷
به ضم صاد بی نقطه و سکون لام و فتح فین نقطه دار و الف و تاء دو نقطه فوقانی در آخرش .	قاعده بلاد قرم	از هفتم	ی	ن	ی	نر	قیاس	صلغاتی یا قرم	۱۸
به فتح کاف و فاء و الف مقصود .	قرصه قرم	از هفتم	.	ن	ن	نر	قیاس	کفا	۱۹

ادصاف وانبار فانه

صاری کرمان در مشرق اقصا کرمان است . شهری است کوچکتر از آن . میان صاری کرمان و قرم که همان صلغات باشد پنج روزه راه است . سنوب درجانب خشکی روبه روی صاری کرمان است .

قرقری ، قلعه‌ای است تسخیر ناپذیر و بلند بر سر کوهی بر آورده ، آنسان که کس را به آسانی یارای فرا رفتن بر آن نیست . اهل قرقری مردمی هستند موسوم به «آص» . در نزدیکی آن کوهی است عظیم و فلکسای به نام جاطر طاغ . این کوه را از دریای قرم از درون کشتی توان دید . جاطر طاغ به فتح جیم و الف و طاء مکسور و واء بی نقطه و طاء بی نقطه و الف و غین نقطه دار . قرقری در شمال صاری کرمان است و میان آن دو يك روزه راه باشد .

صوداق پائین کوه است . زمینش سنگلاخ است . باروئی دارد . مردمش مسلمان اند . بر ساحل دریای قرم بنا شده . قرضه تجار است . به اندازه کفا است . روبه روی آن شهر سامون است . این سعید گوید : مردم صوداق از امم وادیان گونه گونه هستند و بیشتر نصاری . شهر بر ساحل دریای نیطش واقع شد و بازرگانان آن از دریای نیطش به خلیج قسطنطنینی روند .

صلغات شهر قرم است . و قرم نام اقلیم است . ولی مردم . قرم را به صلغات اطلاق کنند ، تا آنجا که چون گویند قرم جز صلغات مقصودی نباشد . صلغات در فاصله نصف روزه راه از دریا

کفا شهری است در زمینی پست بر ساحل دریای قرم . فرضای است برای بازرگانان . روبه روی آن از دیگر خشکی شهر طرا برون اه کفا باروئی دارد از خشت . در مشرق صوداق واقع است .

ضبط نام	بیت و شین از عظیم از عظیم ای عربی: جانب شمالی						ساخت	نام بیلد	شماره
	عظیم عربی	عظیم عربی	عین		حون				
			دقیقه	درجه	دقیقه	درجه			
به فتح کاف و سکون راء بی نقطه و شین نقطه دارد آخرش .	از صوا حـ ل در یای اذق	از هفتم	ل	مز	.	س	قیاس	کوشه	۲۰
به فتح همزه و زاء نقطه دار و در آخرش قاف .	فرضه ای بر دریای اذق	از هفتم	.	مخ	.	سه	قیاس	آزق	۲۱
به فتح صاد بی نقطه و راء بی نقطه و الفریاد و نقطه تحتانی.	قاعده بلاد بر که	از هفتم	.	مخ	.	عه	قیاس	صرای	۲۲
به ضم همزه و فتح کاف اول سپس کاف دوم.	از بلاد صرّای	از هفتم	هـ	مط	.	عح	قیاس	اکک	۲۳

اصناف و اخبار طایفه

کرش شهر کی است بین کفا و ازق بردهانه دریای ازق . کرش رو به روی
ظامان در آنسوی دریا . این شهر در شمال غربی دریای ازق و بین ازق و قرم واقع شده
ولی به قرم نزدیک تر است . مردمش از «قچاق» و کافر .

ازق شهری است مشهور . فرضه بازرگانان است . بر سر زمینی است هموار ، نزد
مصب رودتان در دریای ازق . دریای ازق در کتب معروف است به دریایچه نیطش .
شوری آبش کم است . مسافرانی که از آن می گذرند از آبش می نوشند . در زمستان از
شدت سرما یخ می بندد . بناهای شهر ازق از چوب است . میان آن و قرم پانزده مرحله
ت و آن در جنوب شرقی قرم واقع شده .

صرای شهری است عظیم . کرسی مملکت «تاتار» هائی است که بر بلاد شمالی
مستولی شده اند و ایشان را در زمان ما «ازبک» خوانند . صرای بر زمینی هموار است در
شمال غربی دریای خزر و دو روزه راه با دریا فاصله دارد و دریای خزر در جنوب
شرقی آن است . روداتل که از شمال غربی به جنوب شرقی می آید از آنجا می گذرد
و به دریا می ریزد . صرای در شمال شرقی روداتل و برکناره آن است . فرضه بزرگی
است برای بازرگانان جایگاه خرید و فروخت بردگان ترک . [شهری است جدید منسوب
به یکی از فرزندان چنگیز معروف به صلابانو . یکی از مردم آن دیار برای من حکایت
کرد که در آنجا طولانی ترین روز هفده ساعت باشد . بنا بر این عرض آن ۵۴ درجه باشد
و این قول از آنچه در جدول آورده ایم درست تر می نماید .]

اوکک ، بلده کوچکی است برکناره اتل از طرف غربی . میان صرای و بادر
بر نیمه راه . باهریک از آن دو پانزده مرحله فاصله دارد . در باده بر که . اوکک پایان
اردوی ملک «تاتار» است و ایشان از آن موضع فراتر نرفته اند .

رقم بلد	نام بلد	ساخت ماخذ	بيت وچين ايمم از ايمم های عربی: جانب تالی				ضبط نام
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۲۴	بلار یا بلغار	اطوال قانون	ف ع	۰ ۰	ن مط	م م	قاعده بلاد بلغار در شمال هفتم یا از آن بهضم باء يك نقطه و فتح لام و الف و راه بی نقطه در آخرش.
۲۵	بلندجری یا اقل شهر خزر	اطوال قانون	عه عج	ك ۰	مو مد	ل ن	قاعده خزر از ششم به فتح باء يك نقطه و لام و قون ساکن و جیم مفتوح سپس راء. (اللباب)
۲۶	سپا کوه	اطوال	عط	۰	مج		از بلاد خزر از ششم به کسر سین بی نقطه و یاء در نقطه تحتانی و الف و کاف مضموم و واو ساکن سپس هاء در آخرش. (المشترک)
۲۷	جینوفه	ابن سعید کج	م	۰	مد		فرضه بلاد نبری به باء يك نقطه و یاء دو نقطه تحتانی و واو سپس نون و هاء در آخرش.

اصول و اخبار

بلار را به عربی بلغار گویند - شهری است در پایان آبادانی‌های شمال - نزدیک است به اطل ، از خشکی شمال شرقی . بلار و صرای بريك براند و میانشان بیش از بیست مرحله باشد . در جلگه‌ای واقع شده و کوه کمتر از يك روزه راه از آن دور است . سه حمام دارد - مردمش مسلمان اند و حنفی . در آنجا به علت شدت سرما هیچ میوه‌ای یافته نشود . و نیز انگور به دست نیاید . تنها ترب آن نیکو گردد و نوع سیاه آن بس بزرگ شود . یکی از مردم آنجا برای من حکایت کرد که : در آغاز تابستان شفق پنهان نمی‌شود و شبش در نهایت کوتاهی است . و این معنی درست است و با آنچه با اعمال فلکی معلوم شده مطابقت دارد . چهار عرض چهل و هشت درجه و نصف درجه از ابتدای فصل تابستان علم اختفای شفق آغاز گردد در حالیکه عرض بلار از این هم بیشتر است . پس آنچه قبلاً ذکر شد بهر تقدیر - درست است .

در «الباب» آمده است که : بلنجر شهری است به در بند خزران ، داخل باب‌الابواب و روایت شده که بلنجر منسوب است به بلنجرین یافت در «الاطوال» آمده است که : بلنجر همان اطل شهر خزر است [ومن می پندارم که همان صرای باشد چه صرای بر کناره رود اطل واقع شده] .

صاحب «المشرك» گوید : سیاکوه به فارسی بمعنی کوه سیاه است . و آن در جزیره‌ای است در بحر خزر از جانب شمال . در آنجا آب و نعمت فراوان باشد . و نیز گوید : سیاکوه نام کوهی است که به بیابان خراسان پیوندد و تا تایلان کشیده شود . این سعید گوید : سیاکوه میان اقلیم ششم و اقلیم هفتم واقع شده و سپس دریا را دور می‌زند تا شمال باب‌الابواب . در شمال سیاکوه مجالات «غز»هاست . «غز»ها قومی هستند از ترك در حوالی دریاچه خوارزم .

این سعید گوید : شهر بیونه بر ساحل دریای محیط است و قرصه مملکت «نبری» در مغرب آن ، آنسوی کوه‌شاره شهر بیبنونه قاعده «نبری» واقع شده .

ردیف	نام بلد	ساخته شده	بیت هشتم اعم از اعمی های عربی : جانب شمالی				ضبط نام	
			طول		عرض			
			درج	دقیقه	درج	دقیقه		
۲۸	طلوزه	ابن سعید	ک	ج	مد	•	از بلاد فرنگ از ششم	به طاء بی نقطه و لام مشدد هر دو مفتوح سپس واو و زاء نقطه دار و هاء در آخرش.
۲۹	مرشیمیه	ابن سعید	ک	ح	•	•	از فرضه های فرنگ	به فتح میم و سکون راء بی نقطه و کسر شین نقطه دار سپس یاء و نقطه تحتانی دوم و هاء در آخرش.
۳۰	سینقلو	ابن سعید	ل	ج	ن	ب	از بلاد لمانیه از هشتم	به سین بی نقطه و باء یاء نقطه و قاف و لام و واو در آخرش .
۳۱	عزاز	ابن سعید	ل	ح	ن	•	از قوا عده لابل از شمال اقلیم هشتم	به عین بی نقطه و راء بی نقطه سپس الف و زاء نقطه دار در آخرش .
۳۲	لوشیره	ابن سعید	ل	ک	م	•	از بلاد انبرودیه از ششم	به لام و واو و شین نقطه دار و یاء دو نقطه تحتانی سپس راء بی نقطه و هاء در آخرش.

اوصاف واحیاراته

ابن سعید گوید : شهر طلوزه در مشرق یردال است . و نیز گوید : حکمران فرنگی آنرا در شمال و مشرق این شهر در حدود هزار قلعه هست و او خویشاوند حکمران فرسه است . رودخانه در جنوب شهر واقع شده و کشتی‌هایی که از دریای محیط آیند از آن بالا روند و قلع و ماس که از جزیره افکلطره و ارئنده آرند بدانجا برند و برخی از آن را بر پشت گرفته به فریخته برند و برخی را با کشتی به اسکندریه حمل کنند.

مرشلیه فرضه‌ای است از فرضه‌های فرنگ در مغرب نبردیه.

ابن سعید گوید : سبقلو در شمال کوه جرواسیا است . در آنجا شمشیرهای مشهور آلمانی می‌سازند . معدن آهن دارد و از آن آهن بیرون آرند . و گویند که در جایی از آن دیار معدن آهن مسموم یافته‌شود که از آن شمشیر و خنجر سازند . پادشاهان به دیگران اجازه ندهند که بدان آهن دست یابند . در مشرق آن شهر تنصیب است و آن جایگاه علما و حکماء العمان است . در طول لد ل .

ابن سعید گوید : شهر عراز بر ساحل دریای محیط است و آن قاعده یکی از ملوک «صقلاب» است که در مغرب مکان دارند و بر همه بلاد «لمانی» ها و «هنقر» و «باشقرد» مستولی شده‌اند و این شهری مشهور است و استوار در میان دریاچه نمک و جزیره وسیله پلی که آنجا ساخته‌اند بدان شهر داخل نتوان شد .

ابن سعید گوید : نوشیره از بلاد «انبرور» (= امپراطور) ' .
«انبرور» بر صقلیه مستولی شد مسلمانان را از آن دیار به نوشیره فرستاد .

ضبط نام	بیت و حین اعم از اعمی های عربی: جانب شمالی						نام بلد	سوره	
	اعلی	اعلی	عربی		عربی				
			وجه	وجه	وجه	وجه			
به سین بی نقطه مکسور و باء دو نقطه تحتانی و فون سپس قاف و او در آخرش.	قاعدہ هنگر	از ششم	.	مه	م	ل	ابن سعید	۳۳	سینقو
به میم و شین نقطه دار و قاف و هاء در آخرش.	از صفالیه	از شمال اقلیم هفتم	ک	نج	.	ح	ابن سعید	۳۴	مشقه
به باء یک نقطه و راء بی نقطه و غین نقطه دار و الف و ذال نقطه دار سپس میم و الف در آخرش.	قاعدہ جزیره آن	از شمال اقلیم هفتم	.	نر	س	مه	ابن سعید	۳۵	جزیرہ نما
به دال بی نقطه و نون و دال دوم و راء بی نقطه و هاء در آخرش.	از بلاد برطاس	از شمال اقلیم هفتم	.	تا	ل	ل	ابن سعید	۳۶	جزیره
به راء بی نقطه و واو و سین بی نقطه سپس باء دو نقطه تحتانی و الف در آخرش.	قاعدہ سلتروس	از شمال اقلیم هفتم	.	نر	ل	ل	ابن سعید	۳۷	روسیا

ادماف و آثار ماثر

ابن سعید گوید : سینقو در شمال جون البنادقه است . و دترها از آن فراتر نرفته اند . چه در این مکان « هنگر » و « باشقرو » و « المانی » هاسوراه بر آنان گرفتند و ایشان را آنچنان بهزیمت دادند که از بازگشت به آن بلاد مأیوس شدند . در مغرب این شهر بر کناره خلیج کوه اشکقونیه واقع شده .

ابن سعید گوید : شهر مشقه را یکی از « صقلاب » هادارد با کشوری وسیع و لشکری بسیار .

ابن سعید گوید : جزیره صقلاب جزیره ای است بزرگ آن سوی مشرق و شمال آن که به دریای محیط می رسد هیچ آبادانی نیست . در آزای آن هفتصد میل و پهنای آن در وسط در حدود سیصد و سی میل است . در آن نهرهای جاری و کوهها و شهرها و آبادیها و مردم بسیار هست . گویند ایشان همچنان بر دین مجوس و آتش پرستی هستند و جز آن آیینی نمی شناسند . و نیز گویند در آنجا قومی هستند که سرشان به کفشان چسبیده است . مساکشان سوراخهایی است که بر تنه درختان کنطاند . قاعده آن بر غاذهما است که باغار را بدان نامیده اند و گویند اصلشان از این شهر است .

ابن سعید گوید : بر کوه فرمانیا قلعه دندره واقع شده . ملک برطاس در آنجا ذخایری دارد . از آنجا نزد قوم « غز » و ساکنان اطراف دریاچه عازغا - از اقوام ترك - توان رفت . گرداگرد آن دریاچه هشتاد روزه راه است و آن در مشرق خلیج بزرگی است از دریای طبرستان .

ابن سعید گوید : روسیا قاعده قوم « روس » است . و ایشان خلق کثیری هستند از دلیرترین خلق خلد . صورت های کشیده دارند . بر ساحل دریای فیطش بناها ساخته اند . مردمی گمنام اند . صاحب « الاطوال » گوید : طول آن عز ل و عرضش مه است . و نیز گوید : کوتا با شهر « روس » است در طول عز و عرض نج .

ضبط نام	بیت پنجم از عجم ای عرفی: جانب شمالی				سوره ماخذ	نام بلد	نقطه
	عجم عربی	عجم عربی	عرص				
			درجه	دقیقه			
به فتح کاف و سین بی نقطه سپس الف در آخرش.	قاعده بلاد کسا	از هفتم	نج	مو	۰	ابن سعید سو	۳۸
مانعه از المنعه.	از جزائر	از شمال هفتم	نج	نور	ل	ابن سعید سو	۳۹
به میم و جیم و غین نقطه دار و راه بی نقطه و یاء دو نقطه تحتانی سپس هاء در آخرش.	قاعده بلاد ایشان	از شمال هفتم	مد	نا	مد	عجم اطوال	۴۰

اوصاف و اخبار عامه

این سعید گوید : در مشرق اطرا بزنده شهر کسا است . و ایشان قومی هستند از ترک که کیش مسیح برگزیده اند . شهر بر ساحل دریاست . و هو گوید : در مشرق آن شهر ارکشیه است . ایشان نیز قومی هستند از ارکش از اجناس ترک که به علت مجاورت با نصاری بدان کیش گرویده اند . شهر بر ساحل دریاست در طول من ، یح و عرض مو .

این سعید گوید : در مشرق روسیا ، در ناچه طوما است . درازای این دریاچه از مغرب به مشرق ششصد و سی میل است و پهنای آن در برنس شرقی سیصد و در وسط آن جزیره تتر است . درازای این جزیره در حدود پنجاه میل و پهنای آن در حدود هفتاد میل است و در آن قلعه ای است بس رفیع بر سر کوهی . در آن قلعه مخزن «طومانی» هاست و امروز مخزن اموال زادگان «برکه» است و از این رو آن را «تتر» نامیده اند که «تتر» در آنجا یافته شود . و آن حیوانی است شبیه به شیر و به نیروی آن ولی به قدر پلنگ . و گویند : «تتر» در میان ایشان زاده شود . در این جزیره نهرهای بسیار جاری است . بیچقی گوید : در حدود صد نهر .

ایشان طایفه ای باشند از ترک . برخی گویند : بلاد جغریه میان بلاد بچناک و سکا واقع شده . سکا از بلاد بلکریه است . مردمش آتش پرست و چادر نشین هستند و هر جا باران بیارد و گیاه باشد بدانجا روند . پهنای بلادشان صد فرسخ است در صد فرسخ . حدی از سرزمینشان روم و حدی دیگر بیابان است .